ابتلا به هاری=مرگ

بیماری هاری :
هاری یک بیماری عفونی حاد و کشندهٔ ویروسی است این بیماری مخصوص گوشتخواران اهلی و وحشی بوده، انسان و سایر حیوان‌های خونگرم پستاندار، به‌طور تصادفی و اغلب ازطریق حیوان گزیدگی به آن مبتلا می‌شوند. اهمیت بیماری هاری به دلایل زیر است:
۱ -میزان کشندگی بالا(صددرصد)، به‌طوری که پس از ظهور علائم بالینی چه در انسان و چه در حیوان، قابل درمان نبوده و بیمار محکوم به مرگ خواهدبود.
۲ -افزایش روند موارد حیوان گزیدگی در انسان، به‌طوری که به‌ناچار سالانه مبالغ زیادی صرف خرید سرم و واکسن ضد هاری جهت درمان پیشگیری آسیب دیدگان می‌شود. در ایران بیش از ٪۸۵ از موارد حیوان گزیدگی توسط سگ اتفاق می‌افتد که بیشتر این موارد به سگ‌های خانگی و سگ گله اختصاص دارد و متأسفانه علت اصلی آن، عدم قلاده گذاری است.
راه‌های سرایت بیماری به حیوان و انسان
۱ -گازگرفتن
اصلی ترین راه سرایت بیماری، گازگرفتن به‌وسیلهٔ حیووان هار است. البته ازطریق کشیده‌شدن پنجهٔ آغشته به بزاق حاوی ویروس هاری به‌ویژه در گربه و گربه‌سانان نیز بیماری منتقل می‌شود.
۲ -پوست
ازطریق پوست سالم، هاری سرایت پذیر نیست؛ ولی از راه کوچک ترین خراش یا زخم در پوست، این بیماری منتقل می‌شود.
۳ -ویروس هاری ازطریق مخاط آلوده نیز به انسان و حیوان‌های دیگر منتقل می‌شود. بنابراین، سگ‌ها و گربه‌های به‌ظاهر سالم که در اواخر دورهٔ نهفتگی بیماری هاری هستند و هنوز علائم هاری در آن‌ها ظاهر نشده‌است، ازطریق لیسیدن لب، چشم و بینی کودکانی که با آن‌ها بازی می کنند بیماری هاری را انتقال می‌دهند.
برای کنترل بیماری هاری هر فردی باید در این زمینه احساس مسئولیت نماید انجام اقدامات زیر می تواند در کنترل بیماری هاری موثر باشد
۱-توجه خاص به گازگرفتگی حیوان‌ها هر چندجزئی و به‌صورت خراش باشد، و مراجعهٔ فوری فرد مجروح به مرکز بهداشتی درمانی شهید اسماعیلی واقع در خیابان طالقانی در شهر کازرون یا نزدیکترین مرکز بهداشتی درمانی محل سکونت خود در سایر مناطق شهری و روستایی تا اقدامات ذیل به‌صورت رایگان ارائه گردد.
۲-شستشو و ضدعفونی زخم- تزریق واکسن و سرم ضد هاری و واکسن کزاز(ضمناً واکسن در ۵ نوبت روز های۲۸-۱۴- ۷-۳-۰ پس از گزش تزریق می گردد و در صورت نیاز توسط پزشک معاینه و آنتی بیوتیک تجویزمی گردد
۲-خودداری از نگهداری سگ و گربه در منزل، مگر در موارد استثنایی و درصورت نگهداری،قلاده‌زدن و واکسیناسیون آن‌ها علیه هاری
۳-خودداری از ترددسگ‌های خانگی و صاحب‌دار در معابر عمومی و پارک‌ها
۴-جلوگیری از نزدیک‌شدن کودکان به سگ‌های ولگرد
۵-خودداری از ریختن زباله و پس‌مانده‌های غذایی در اطراف منازل و گذرگاه‌ها و معابر عمومی و استفاده از کیسه‌های مخصوص حمل زباله و همکاری با مأموران شهرداری در هنگام جمع آوری زباله
۶-همکاری با مأموران شهرداری و ادارهٔ حفاظت محیط‌زیست در نابودی سگ‌های ولگرد
۷-جلوگیری از تماس سگ‌های خانگی با سگ‌های ولگرد
۸-درصورت بروز هرگونه تغییر رفتار در حیوانات، باید فوری به دامپزشکی اطلاع داده‌شود. **شیرزاد رضایی-کارشناس مبارزه با بیماریها-مرکز بهداشت کازرون**

چرا ازدواج سرپرست با فرزند خوانده؟!

منوچهر حبیبی

دو هفته پیش که توجهات معطوف بزرگداشت هفته دفاع مقدس و بازگشایی مدارس و سفر پر حاشیه روحانی به نیویورک بود ، در مجلس روی لایحه ازدواج سرپرست (پدرخوانده) با فرزند خوانده نیز بحث شد و بالاخره این لایحه جنجالی با اصلاحاتی تصویب شد و به شورای نگهبان فرستاده شد تا در صورت تایید و تصویب اجرایی شود این مصوبه مجلس از ابتدا با مخالفت هایی روبرو بوده است مخالفت هایی که همچنان ادامه دارد و اکثریتی معتقدند که اجازه ازدواج دادن به افرادی که سرپرستی نوزاد و یا کودکی را بر عهده می گیرند تبعات ناگوار و زیان بار اجتماعی و اخلاقی می تواند به دنبال داشته باشد البته در طرف مقابل عده ای نیز آن را به صلاح جامعه و سلامت روحی و روانی افراد تلقی کرده اند و اما این که چه درصدی از جامعه با این لایحه و یا بهتر بگوییم مصوبه مخالف و یا موافق هستند نیاز به باز شدن هر چه بیشتر مساله دارد. برای مثال باید دید چه تعداد و یا درصدی از زوج های ایرانی با مشکل فرزند دار شدن روبرو هستند یعنی اگر صد زوج را در نظر بگیرید چند درصد از این زوج ها صاحب فرزند نمی شوند. شاید برخی نگاهی به دور و برشان بیندازند و در همسایگی و فامیل مورد انگشت شماری را بتوانند بیابند البته آمار دقیق دادن در این مورد کار سخت و غیر ممکنی نیست اما بیاییم فرض را بر این بگذاریم که ۲۰ درصد از زوج ها صاحب فرزند نمی شوند شاید برخی بگویند درصد بالایی است اما همیشه برای یک نتیجه گیری مطلوب باید شانس آمارهای مرزی و یا زیر حد نصاب را کم کرد . تجربه آمار و ارقام دادن مرزی دولت احمدی نژاد درس خوبی باید برای همه باشد که به عامل ویرانگری در محاسبات و برنامه ریزی تبدیل شد. حال بیایید در نظر بگیرید از این ۲۰ درصد زوج چه تعدادی برای فرزنددار شدن رو به ازدواج مجدد (مردان) می آورند و یا سراغ فرزند گرفتن می روند. حال اگر در خوشبینانه ترین احتمال، فرض را بر این بگذاریم که نیمی از این سرپرست خانوارها (مردان) به علت تشخیص و اعلام پزشکان که ایراد و مشکل از همسرشان است، رو به فرزند خواندگی نمی آورند. اما از آن نیمی که مردان به دلایل مختلف از جمله عشق و علاقه بسیار به همسر و اطلاع از عیب و ایراد مردانه در نهایت به اتفاق همسرشان راهکار فرزندار شدن را در فرزند خواندگی می بینند چه تعداد به سراغ فرزند پسر و چه تعداد به سراغ فرزند دختر می روند . بر اساس شواهد و آمار و ارقام سازمان بهزیستی احتمال پذیرفته شدن و فرزند خوانده شدن نوزادان دختر بیشتر بوده و هست علت هم این بود که مردان نسبت به حفظ حریم خانواده و حرمت و احترام و یا بهتر بگوییم تعصب شان ترجیح می دهند که اگر قرار باشد که سرپرستی فرزندی را در کنار همسرشان بر عهده گیرند همانا نوزاد دختری باشد که از نظر جنسیت به همسرشان نزدیک باشد. البته ناگفته نماند که بسیاری با دیدگاه های خاص به این فرزند خواندگی نگاه می کنند و ملاک ها و ارزش های والای انسانی را همیشه مد نظر دارند و تلاش می کنند که این اقدام خداپسندانه و انسانی صورت گیرد و خیلی روی جنسیت فرزند خوانده حساس نیستند.
حال با توجه به آن چه گفته شد از آن ۲۰ درصدی که با مشکل فرزندار شدن (نازایی)روبرو بوده اند تنها ۵ درصد به سراغ فرزند خواندگی و یا قبول کنیم انتخاب فرزند دختر می روند و اما برای این که یک زوج به این نتیجه برسد که نیاز به فرزند خوانده دارد تقریبا و به طور میانگین ۵ سال وقت لازم است حالا اگر میانگین سن ازدواج پسران و یا مردان را تا حداقل ۲۵ سالگی پایین بیاوریم به این نتیجه می رسیم که یک مرد یا سرپرست خانوار حداقل با نوزاد دختری که به فرزند خواندگی انتخاب می کند حدودا ۳۰ سال اختلاف سنی دارد هر چند باید اشاره کرد که مواردی هم بوده که فرزند خوانده ها تا حدود سن بلوغ هم داشته اند اما در کل اصل را بر این گذاشته ایم که فرزند خواندگی از سن یک سالگی نوزدان صورت می گیرد حال از این ۵ درصدی که فرزند دختر را به فرزند خواندگی برگزیده اند چند درصد از این مردان به علت فوت همسر و یا اختلاف خانوادگی تصمیم به ازدواج مجدد می گیرند و چند درصد نیز در میان گزینه های ازدواج شان چشم به فرزند خوانده خویش که تقریبا ۳۰ سال اختلاف سنی دارند دوخته اند می بینند که درصد و تعداد این پدر خوانده ها خیلی خیلی کم و اندک است پس برای بررسی چنین لایحه ای در مجلس و تصویب آن نمایندگان باید با علم و اطلاع از آمار و ارقام و موارد مطرح و ثبت شده درباره ی چنین تقاضاهای ازدواج و روابطی تحقیق و تصمیم گیری کرده باشند که اگر غیر از این و بر اساس تنها آن چه که برخی باورهای دینی می نامند، عمل شده باشد جامعه با چالش های بسیاری روبرو می شود با این میزان اطلاعات آماری و سبک و سنگین کردن به خوبی هویداست که اکثریت افراد جامعه با این مصوبه مخالف هستند و آن را در راستای حفظ حقوق کودکان و به ویژه زنان و دختران و اصول اخلاقی نمی دانند. صحبت از زنان به میان آمد ، آیا اگر چنین مصوبه ای اجرایی شود چه تعداد از مردان که فرزند خوانده دختر دارند برای برون رفت از ازدواج ناموفق با همسرانشان میل و گرایش به ازدواج با فرزند خوانده ی خودشان می آورند و اصلا برخی از خانم ها که حریم امنیتی خود را در گرو فرزند خوانده دختر می دیدند آیا چون گذشته تمایل به آوردن فرزند خوانده آن هم از نوع و جنس دخترش دارند؟ آیا آنان نیز نگران نخواهد شد که به بهانه ی مشکلات و اختلافات خانوادگی و یا پا به سن گذاشتن ، کانون خانواده شان متلاشی شود؟ و اما چنین درصد ناچیزی از مردان که به هر دلیل می خواهند تن به ازدواج با فرزند خوانده دهند بهتر و شایسته است که گزینه ی خود را در دختران و خانم هایی بیابند که لااقل در محدوده ی زندگی نزدیک پدر و فرزندی قرار ندارند جستجو و انتخاب کنند به هر حال گر چه پدر خوانده ها با فرزند خوانده ی دختر خود معمولا رابطه خونی ندارند و از نظر شرعی هم مشکلی نیست اما سزاوار نیست این شیوه و نوع ازدواج قانونی گردد چرا که برخی از هر قانونی کمال سوءاستفاده را برده و می برند که هزینه و زیان های جبران ناپذیری برای افراد، جامعه و کشور داشته و دارد.

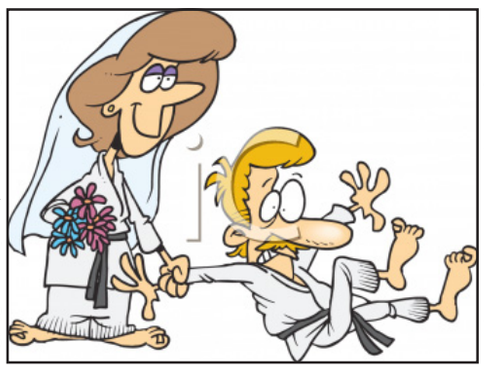

روز شناخت ماهیگیران آب گل آلود

امان الله زارع

همسویی و همدلی امروز مردم قابل مقایسه با اتحاد این ملت در سالهای اول انقلاب است! نشاط نتیجه انتخابات خرداد ۹۲ امروز مضاعف شده است.هواداران بیش از ۶۰ درصدی روحانی در انتخابات امروز پا از ۹۰ درصد فراتر گذاشته است.با برکت همدلی مقام معظم رهبری با رییس دولت امید ونشاط ملت ایران قابل مقایسه با شادی آنها در سال ۵۷ سال ورود رهبر کبیر انقلاب به ایران است!
همه کسانی که آن روزها اتیکت های «امام آ مد»را می توانستند بخوانند امروز جراحاتی را که دشمنان بر پیکر انقلاب وارد کردند بیاد دارند .
امروز دهن کجی به دولت صد در صد مردمی دهن کجی به نظام است !
اقیانوس تاریک وگل آلود اکنون روشن وشفاف شده و چه بهتر که ماهیگیرانش عاقلانه تورها را دریده و به ساحل مراجعت فرمایند.
تحریم اقتصادی و قهر با دنیا برای خیلی ها نعمت بوده است.
فساداداری،بازار آشفته،اقتصاد بیمار،سیر صعودی دلار و به کف رسیدن ارزش پول ملی ، تعطیلی گمرکات وباز بودن مرزها بر روی قاچاقچی های خونخوار وسوداگران مرگ .فقر .فحشا .خفقان .اعتیاد.بیکاری، کاهش ازدواج، کاهش جمعیت،بیم انقراض نسل،یاس ونا امیدی و فاجعه انگیز تر از همه بد بین شدن امت مسلمان ایران از نظام مقدس جمهوری اسلامی همه وهمه بر سر مردم سایه افکنده بود!!
ملت فهیم ،با شعور وهمیشه بیدار ایران در خرداد ماه امسال گزینه مناسب را جهت نجات از ظلمات بر گزیدند و اکنون با تدبیر خردمندانه رهبری به انتهای تاریکی شب رسیده بگذارید تا به«افق سپید سحر» قدم گذارند.

آیا تغییر دنیا ، شدنی است؟!

می گویند در کشور ژاپن مرد میلیونری زندگی می کرد که از درد چشم خواب بچشم نداشت و برای مداوای چشم دردش انواع قرص ها و آمپول ها را بخود تزریق کرده بود اما نتیجه چندانی نگرفته بود.
وی پس از مشاوره فراوان با پزشکان و متخصصان زیاد درمان درد خود را مراجعه به یک راهب مقدس و شناخته شده می بیند. وی به راهب مراجعه می کند و راهب نیز پس از معاینه وی به او پیشنهاد کرد.... که مدتی به هیچ رنگی بجز رنگ سبز نگاه نکند. وی پس از بازگشت از نزد راهب به تمام مستخدمین خود دستور می دهد با خرید بشکه های رنگ سبز تمام خانه را با رنگ سبز رنگ آمیزی کنند. همین طور تمام اسباب و اثاثیه خانه را با همین رنگ عوض می کند. پس از مدتی رنگ ماشین ،ست لباس اعضای خانواده و مستخدمین و هر آنچه به چشم می آید را به رنگ سبز و ترکیبات آن تغییر می‌دهد و البته چشم دردش هم تسکین می یابد. بعد از مدتی مرد میلیونر برای تشکر از راهب وی را به منزلش دعوت می نماید. راهب نیز که با لباس نارنجی رنگ به منزل او وارد می شود متوجه می شود که باید لباسش را عوض کرده و خرقه ای به رنگ سبز به تن کند. او نیز چنین کرده و وقتی به محضر بیمارش می رسد از او می پرسد آیا چشم دردش تسکین یافته؟ مرد ثروتمند نیز تشکر کرده و می گوید:« بله . اما این گرانترین مداوایی بود که تاکنون داشته ام.» مرد راهب با تعجب به بیمارش می گوید بالعکس این ارزانترین نسخه ای بوده که تاکنون تجویز کرده ام. برای مداوای چشم دردتان، تنها کافی بود عینکی با شیشه سبز خریداری کنید و هیچ نیازی به این همه مخارج نبود. برای این کار نمی توانی تمام دنیا را تغییر دهی، بلکه با تغییر چشم اندازت (نگرش) می توانی دنیا را به کام خود درآوری. تغییر دنیا کار احمقانه ای است اما تغییر چشم‌اندازمان (نگرش) ارزانترین و موثرترین روش می باشد.

مراکز کاریابی، مرکز ثقل سیاست های بازار کار

دژبخش — قسمت دوم

◆ وظایف مراکز کاریابی
مراکز کاریابی خدمات متنوعی را در بازار کار انجام می‌دهند و به عنوان مرکز ثقل سیاست‌های بازار کار شناخته می‌شوند. وظیفه مراکز کاریابی دولتی به طور عمده در سطح ملی و توسط کارگزاران دولتی اعمال می‌شود. در برخی از کشورها مراکز کاریابی توسط وزیر و در برخی کشورها به صورت مستقل تری مدیریت می‌شوند. مهم‌ترین وظایف مراکز کاریابی به شرح زیر است:
● خدمات جایابی :
خدمات جایابی به طور معمول جزء لاینفک فعالیت‌های مراکز کاریابی و در حقیقت اصلی ترین آنها است. خدمات جایابی مستلزم تهیه اطلاعات از جویندگان شغل و کارفرماهاست. این نوع خدمات فعالیت‌های مربوط به ایجاد شغل را شامل می‌شود. معرفی به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای برای انجام دوره‌های آموزشی: مراکز کاریابی می کوشند تا کیفیت آموزش نیروی کار را ارتقا دهند به نحوی که نیروی کار از نظر کسب مهارت و آموزش‌های مورد نیاز توانایی‌های لازم را کسب کنند. ارتقای بهره‌وری و مهارت نیروی کار در یافتن شغل به جویندگان مشاغل کمک می کند و انتظار می‌رود که افراد با مهارت‌های بالاتر در یافتن مشاغل مورد نظر موفق تر عمل کنند.
تهیه اطلاعات کمی و کیفی از بازار کار: تهیه این قبیل اطلاعات به منظور اطلاع از وضعیت بازار کار و مؤلفه‌های اصلی آن صورت می گیرد. چنانچه مراکز کاریابی تصویری صحیح از میزان بیکاران و فرصت‌های شغلی موجود داشته باشند، به نحو شایسته‌ای می توانند خدمات مورد نیاز را انجام دهند.
● تهیه برنامه های ایجاد شغل :
یکی دیگر از وظایف مراکز کاریابی تهیه برنامه‌های ایجاد شغل است. هدف از ایجاد چنین برنامه‌هایی توسعه اشتغال و هدایت بیکاران به سمت یک بازار کار فعال است. ارایه مشورت‌های شغلی: یکی از وظایف حساس و مهم مراکز کاریابی ارایه مشورت‌های لازم به جویندگان شغل است. تجربه نشان داده است ارایه مشورتهای شغلی به نیروی کار موجب آگاهی جویندگان کار از توانایی‌های خود و تسهیل در انتخاب شغل مورد نظر می‌شود. در عین حال افراد از استانداردهای لازم در مشاغل مختلف شناخت پیدا می کنند.
ارزیابی و گزینش افراد برای ورود به بازار کار: کاریابی‌ها از طریق سیاست‌های خوداشتغالی و آموزش نسبت به تسهیل و ایجاد بهترین فرصت شغلی با بهترین متقاضی کار فعالیت می کنند و در صورتی که لازم باشد، نسبت به آموزش افراد و آگاهی آنان از چند و چون نوع کار اقدام می کنند. هر چند در ایران سعی شده است تا وظیفه مراکز کاریابی خصوصی را تنها در واسطه گری مشاغل و خدمات جایابی خلاصه کنند و در برخی تعاریف هماهنگی بین عرضه و تقاضای نیروی کار را جزو وظایف آنها برمی شمارند اما باید توجه کرد که علاوه بر وظایف یادشده وظایفی همچون آموزش، تهیه و تدارک اطلاعات و ارایه خدمات مربوط به اشتغال نیز از جمله وظایفی است که مراکز کاریابی خصوصی بر عهده می گیرند. وظایف یادشده در آیین نامه ۹۶ سازمان جهانی کار مورد تصریح قرار گرفته است. با توجه به ماهیت پویایی بازار کار و نقش مراکز کاریابی خصوصی نقش واسطه‌ای این نهادها تأمین نیروی کار ماهر است. در واقع مراکز کاریابی خصوصی به افراد حقیقی یا حقوقی گفته می‌شود که مستقل از مراکز کاریابی دولتی به منظور ارایه خدمات در بازار کار مشغول فعالیت هستند. نوع خدمتی که توسط مراکز کاریابی خصوصی ارایه می‌شود معیار مهمی در دفاع از عملکرد این مراکز در سطح ملی است. یکی از ویژگی‌های بارز مراکز کاریابی خصوصی ارتباط قراردادی مشتری با اینگونه مراکز بوده و با پیچیده‌تر شدن بازار کار اهمیت این قراردادهای مکتوب در بازار کار اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در واقع هدف اساسی مراکز کاریابی خصوصی امضای قرارداد اشتغال بوده و این عمل متفاوت از هماهنگ کردن عرضه و تقاضای نیروی کار است که کارفرما و فرد جویای کار را به هم معرفی می کند و باید در قالب قرارداد جداگانه دیگری تعیین شود. با این حال، بسیاری از مراکز کاریابی خصوصی خدماتی ارایه می‌دهند که مسؤولیت‌های متقابل دوطرفه در آن تصریح نشده است.
●فلسفه شکل گیری مراکز کاریابی خصوصی
الف ایجاد مراکز کاریابی خصوصی در نتیجه تغییرات ساختاری و دراز مدت در بازار کار به دلیل نقصان اطلاعات در بازار کار تقاضای قابل توجهی برای انواع خدمات مربوط به اشتغال وجود دارد، از جمله این خدمات می توان به استخدام تازه واردان به بازار کار، مشورت‌های شغلی، مشاغل موقت، جست‌وجوی شغل، توصیه‌و راهنمای شغلی و خدمات جابه‌جایی اشاره کرد. اما تا چه حد مداخله دولت به دلایل مختلف ضرورت دارد؟ مداخله دولت زمانی ضرورت دارد که نیروهای بازار آزاد برحسب دو عامل کارآیی و عدالت نتوانند وظیفه خود را به نحو مطلوب و مناسب انجام دهند. در اقتصادهای مبتنی بر بازار، مراکز کاریابی خصوصی و دولتی می توانند مکمل یکدیگر باشند. بدین معنا که مراکز کاریابی دولتی به عنوان حامی و تصحیح کننده فعالیت مراکز کاریابی خصوصی فعالیت می کنند و به مرور زمان با تکمیل فعالیت مراکز کاریابی خصوصی جای خود را به آنها می دهند و تنها وظیفه نظارتی را بر عهده می گیرند. وظایفی که کاریابی‌های دولتی می توانند برای حمایت از کاریابی‌های خصوصی انجام دهند به قرار زیر است:
۱-تأمین کننده شفافیت بازار کار از طریق ایجاد بانک اطلاعات مربوط به جویندگان کار و انواع مشاغل.
۲-اطمینان و ارایه خدمات مربوط به کار و قوانین کار در تمام مناطق و مستقل از نوسان‌های اقتصادی.
۳-یافتن شغل متناسب با دستمزد برای افراد فاقد شغل و هدایت آنها به سمت کاریابی‌های خصوصی.
۴-حمایت از بیکاران و کارآفرینان به منظور ارایه خدمات بانکی و تسهیلات مرتبط برای راه‌اندازی حرفه‌و شغل مرتبط با توانایی‌های افراد جویای کار.
ب - ایجاد مراکز کاریابی خصوصی به دلیل تداوم مشکل بیکاری
مطالعات نشان می‌دهد که سیاست‌های فعال بازار کار از جمله جایابی شغلی، توصیه شغلی، آموزشی و یارانه‌های هزینه و دستمزد نمی تواند تأثیر زیادی بر کاهش بیکاری داشته باشد. از سوی دیگر، نباید چنین تصور کرد که مراکز کاریابی به تنهایی می توانند مشکل کمبود شغل را در یک کشور حل کنندزیرا وظیفه این قبیل مراکز هماهنگی عرضه و تقاضای نیروی کار و ارتقای قابلیت بیشتر افرادی است که جویای شغل هستند اما نباید از نظر دور داشت که در انتقال از سیاست‌های منفعلانه بازار کار به سیاست‌های فعال بسیاری از کشورها توفیق چندانی نداشته‌اند. در تعمیم این موضوع به کشور ایران باید بازار کار و میزان توسعه یافتگی مراکز کاریابی مورد توجه قرار گیرد.

ادامه دارد...

هفته جهانی کودک(۱۵-۲۱ مهرماه ۱۳۹۲) گرامی باد

زنده باد کودکی، زنده باد زندگی

◆ چگونه میتوان یک کودک را به درستی تربیت کرد؟
همه والدین دوست دارند فرزندانشان خوشحال، خوش رفتار و قابل احترام از سوی دیگران باشند. فرزندانی که بتوانند به راحتی با دیگران تعامل ایجاد کنند. هیچ کس دوست ندارد به داشتن فرزندی بی تربیت متهم شود. کلید اصلی شیوه تربیتی مناسب درک شخصیت خلق و خوی کودک است تا در کنار آن بتوان استعدادها و تمایلات او را بهتر شناسایی کرد.
اگر بخواهیم تعریف واضحی از تربیت ارائه کنیم باید بگوییم که تربیت، آموزش رفتارهای خوب و نشان دادن رفتارهای بد برای جلوگیری از انجام آن به کودک است. به عبارت دیگر، تربیت به کودک پیروی از مجموعه قواعدی را می آموزد و شامل روش های تنبیهی و تشویقی است. اما همین چند جمله در عمل چنان بر والدین دشوار است که گاه فاصله آن ها تا تربیت صحیح فرسنگ ها دور است.
اولین مرحله این است که والدین باید ویژگی های کودک خود را شناسایی کنند. اما باید توجه داشت که خود والدین به ۳ گروه تقسیم می شوند :

◆ والدین مقتدر
که توقعات و خواسته های واضحی دارند و به احساسات کودک خود احترام می گذارند. آن ها انعطاف پذیر هستند و از روش حل مسئله به صورت مشارکتی با کودک خود استفاده می کنند. این دسته از والدین بهترین روش تربیتی را اتخاذ می کنند.
◆ والدین مستبد
که توقعات و خواسته های واضحی از فرزندان خود دارند اما به احساسات کودک خود توجهی نمی کنند و در واقع با رفتارهای خود به کودک می فهمانند «من پدر تو هستم پس هر چیزی که من می گویم درست است.» این شیوه مورد تایید نیست.
◆ والدین آسان گیر
که به احساسات کودک خود بیش از حد توجه می کنند و این شیوه نیز مورد تایید کارشناسان نیست.
◆ روش های تربیتی
شیوه تربیتی که برای فرزند خود انتخاب می کنیم ممکن است به رفتاری که از او سر می زند و سن او، خلق و خو و سبک تربیتی ما متفاوت باشد. به برخی از این راهکارهای پیشنهاد شده اشاره می کنیم.
◆ تشویق رفتارهای مثبت
پذیرش رفتارهای مثبت و تشویق او بهترین کار برای ادامه رفتارهای مثبت است. به عبارت دیگر وقتی کار مثبتی می کند کار خوبش را مورد تحسین قرار دهید. بگذارید کودک خودش نتیجه طبیعی رفتارهای بدش را ببیندنیازی به سخنرانی و سرزنش کردن نیست. بنابراین این بار که یک اسباب بازی را شکست، بی توجه به این کار به او بفهمانید که دیگر نمی تواند با آن بازی کند.
◆ محرومیت
گاهی اوقات یک رفتار بد نتیجه طبیعی یا منطقی به همراه ندارد و یا فرصتی برای تبیین آن ها نداشته اید. بنابراین محرومیت می تواند به کودک ناپسند بودن رفتارش را نشان دهد. به عنوان مثال اگر کودک تا زمان معینی کاری که از او خواسته شده انجام ندهد نمی تواند برنامه عصر تلویزیون را تماشا کند. این شیوه به شرطی موثر است که محرومیت با نوع کار ناپسند کودک همخوانی داشته باشد.
◆ جداسازی
این شیوه فقط زمانی موثر است که بدانید کودک دقیقا چه عمل خطایی را و چه اندازه عمدی انجام داده است. دقایقی او را در مکانی نه چندان راحت تنها بگذارید. این شیوه زمانی موثر می افتد که کودک بفهمد هدف از این محروم سازی چه چیزی بوده است. این شیوه از ۲ سالگی به بعد موثر است و به ازای هر سال سن کودک می توان او را تنها گذاشت. مثلا برای یک کودک ۴ ساله، ۴ دقیقه جداسازی موثر است. در سنین پایین این روش بسیار موثر است زیرا محرومیت از حضور در کنار پدر و مادر برای کودک دشوار است. نباید فراموش کنیم که تنبیه جسمی کودک به افزایش پرخاشگری، خشونت و میل به ضربه زدن به دیگران و توجیه رفتارهای خشن از سوی کودک تلقی می شود و جایگاهی در شیوه های تربیتی موثر ندارد.
◆ شیوه تربیتی خود را با خلق و خوی کودک مطابقت دهید
کلید اصلی شیوه تربیتی مناسب درک شخصیت خلق و خوی کودک است تا در کنار آن بتوانید استعدادها و تمایلات او را بهتر شناسایی کنید. در مورد شیوه تربیتی خود تا حد امکان با کودک مشورت کنید.
◆ به شخصیت کودک احترام بگذارید
حتی زمانی که قصد تربیتی دارید به او احترام بگذارید. بچه هایی که از پدر و مادر خود احترام می بینند بیشتر به آن ها احترام می گذارند اگر کمی سخت گیری کردید یا عصبانی شدید از او عذرخواهی کنید. همان طور که دوست دارید او با شما رفتار کند با او رفتار کنید.
◆ صبور باشید
هر شیوه ای اگر عجولانه و با انتظارات نابه جا پیاده شود، نتیجه نخواهد داد. اگر با یک شیوه نتیجه نگرفتید مایوس نشوید و آن را ادامه دهید. قواعدی را که خود تعیین کرده اید هرگز زیر پا نگذارید و هرگز در مقابل دیگران از رفتارهای ناشایست او صحبت نکنید. وقتی حرکتی ناشایست از او سر زد پس از اعمال شیوه تنبیهی مناسب از او نخواهید عذرخواهی کند یا درباره آن کار سخنرانی نکنید. به او کمک کنید پس از تنبیه به روال عادی برگردد.
◆ بدانید کدام شیوه تربیتی با کودک شما تناسب دارد
قبل از اعمال تنبیه مطمئن شوید او منظور شما را از عملی که به نادرست انجام داده، فهمیده است. گاهی اوقات والدین منظور خود را به درستی بیان نمی کنند و یا توقعی فراتر از توانایی کودک از او دارند.
◆ به دنبال ریشه بعضی رفتارها باشید
اگر رفتار ناشایستی به تکرار از او سر زد، بخشی از تلاش خود را برای علت یابی آن معطوف کنید. شاید کودک از واقعه یا حادثه‌ای متاثر شده و در واکنش به آن دست به رفتارهای نادرست و غیرقابل توجیه می زند. شاید تحت استرس قرار دارد و نمی تواند از آن به کسی بگوید. بنابراین با شناسایی ریشه این مشکلات سعی کنید بهتر به او کمک کنید

محبوبه خورشیدی فرد- کارشناس بهداشت خانواده مرکز بهداشت کازرون